

واکاوی بازدارنده‌های سبک زندگی اسلامی در قرآن کریم

ثریا برزگر نژاد*

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۱

سیدحمید حسینی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۴

چکیده

بی شک یکی از مسائل تأثیرگذار در سرنوشت هر فردی گزینش سبک یا روش زندگی اوست. در دنیای امروز با سبک‌های زندگی مختلفی روبه‌رو هستیم که نشان از تفاوت آن‌ها در نوع اندیشه، باور، دین و... دارد. هر نوع سبک زندگی تمام جنبه‌های زیستن فرد را در بر می‌گیرد که انتخاب هر نوع سبک زندگی، تأثیر مستقیم بر تعالی و سعادت فرد دارد. ولی انسان همواره به علت نشناختن سبک زندگی صحیح، رواج سبک‌های غلط زندگی در سطح جامعه، دور شدن از هدف متعالی دچار انحراف شده است. حال در بین انواع سبک‌های زندگی و ادیان الهی، که در دنیای امروز با آن‌ها مواجه هستیم، می‌توان گفت با توجه به هماهنگی و سازگاری سه بخش مهم عقاید، اخلاق (حیطه فردی و اجتماعی) و احکام در دین اسلام، پیرامون سبک زندگی اسلامی، ضرورت ایجاد می‌کند که آموزش و تربیت نسل مسلمان طبق سبک زندگی ارائه شده در قرآن و روایات باشد تا برای مؤمن سازی یک مسلمان و تبدیل شدنش به انسان کامل، مد نظر واقع شود.

کلیدواژگان: سبک زندگی، فرهنگ، اسلام، الگو، غفلت.

* دانشجوی دکترای گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

s.barzegar88@gmail.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. hoseinihamid@gmail.com

نویسنده مسئول: سیدحمید حسینی

مقدمه

سبک زندگی به عنوان مفهومی ساده، قدمتی به اندازه عمر بشریت دارد، چراکه در طول تاریخ هر فردی بر اساس سبک و شیوه‌ای مرسوم زندگی می‌کند که بهترین راه پی‌بردن بهترین روش بهره‌مندی از قرآن کریم، سخنان پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت (ع) است که از هر کس به حقایق اسلام آگاه‌ترند. لذا با توجه به هماهنگی و سازگاری سه بخش مهم؛ عقاید، اخلاق (حیطه فردی و اجتماعی) و احکام در دین اسلام پیرامون سبک زندگی اسلامی، ضرورت ایجاد می‌کند که آموزش و تربیت نسل مسلمان طبق سبک زندگی ارائه شده در قرآن و روایات باشد تا در حیطه‌های مذکور (عقاید، اخلاق، احکام) برای مؤمن‌سازی یک مسلمان، همچنین تبدیل شدنش به خلیفه الله و یک انسان کامل، مدّ نظر واقع شود. ضرورت کمال‌گرایی در انسان (خصوصاً در رابطه با سه حیطه مذکور) آدمی را وا می‌دارد که برای خود سبکی خاص از زندگی برگزیند؛ ولی انسان همواره به علت نشناختن سبک زندگی صحیح و رواج سبک‌های غلط زندگی در سطح جامعه و دور شدن از هدف متعالی، رفتن به سمت و سوی مسیرهایی که طراحان منفعت‌گرا (با انحرافات ویژه که افراد را حتی از مقام انسانی دور نموده) طراحی کرده‌اند از این سبک زندگی اسلامی منحرف می‌شوند. لذا آنچه در این نوشتار مدّ نظر است؛ واکاوی برخی از موانع و راهکارهای رفع آنان در آیات نورانی قرآن کریم می‌باشد.

یکی از معارفی که در حال حاضر بسیار ضروری و حیاتی است دانستن و داشتن سبک صحیح زندگی آن هم بر اساس برنامه سعادت‌بخش دین اسلام است چراکه در دنیای معاصر، انواع زیادی از سبک‌های زندگی وجود دارد که تفاوت آن‌ها در نوع اندیشه، باور، دین و مذهب و... است که نمایی متفاوت از همدیگر در زندگی واقعی به نمایش می‌گذارند. پیکره جامعه امروزی با غفلت از مسأله سبک زندگی اسلامی می‌تواند دارای خسارت‌های جبران‌ناپذیری شود. نفوذ سبک زندگی غیر اسلامی تأثیر زیادی در باورها، بینش‌ها و الگوهای اخلاقی افراد داشته است. به این صورت که وقتی مردم نمی‌توانند میان شیوه زندگی خود، باورها و ارزش‌هایشان ارتباط برقرار نمایند، بعد از مدتی امکان دارد دست از باورها و ارزش‌های خود نیز بشویند و آن باور و ارزش‌ها را ناکارآمد بدانند.

حتی برای اینکه توجیهی برای سبک زندگی غیر اسلامی خود داشته باشند و آن باورها و ارزش‌های اسلامی را به چالش بکشند، با این بهانه که این باورها از آن اقوام گذشته و مربوط به جوامع غیر پیشرفته بوده، پس قابلیت الگوگیری ندارد را به عنوان توجیه خود ارائه کنند. پس باید در اصل، دست از اسلام و باورهای خود بشویند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (روم/۱۰). به این صورت سرکشی و طغیان با تکذیب آیات الهی و انحراف از سبک زندگی اسلامی شروع می‌شود. بنابراین تحقق سبک زندگی اسلامی با آسیب‌های فراوانی روبه‌روست. این پژوهش به دنبال بررسی برخی از موانع و راهکارهای رفع آن موانع از منظر قرآن کریم می‌باشد تا با ایجاد بستر مناسب، شاهد تحقق سبک زندگی اسلامی در مراحل بالاتر، جاری شدن و تعالی این سبک در زندگی باشد.

پیشینه بحث

سبک زندگی به عنوان مفهومی ساده قدمتی به اندازه بشریت دارد، زیرا هر فردی شیوه و سبکی در زندگی داشته؛ ولی به عنوان مفهوم نظری کاملاً نوظهور است و اولین بار در سال ۱۹۲۹ توسط *آلفرد آدلر*، روان‌شناس اجتماعی مطرح شد و بعد از آن مورد توجه بسیاری از دانشمندان حوزه‌های مختلفی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، دانش سلامت، تجارت، تبلیغات و رسانه و... شد.

معناشناسی لغوی به ما می‌گوید که این موضوع در فرهنگ‌های فارسی سابقه‌ای ندارد و اگر به صورت محدود به کار رفته است، بیش‌تر رویکرد ادبی و هنری دارد؛ ولی در لابه‌لای کتاب‌های اخلاقی مانند «اخلاق ناصری» *خواجه نصیرالدین طوسی*، «کیمیای سعادت» و «احیاء علوم الدین» *غزالی*، «محجة البیضاء» *فیض کاشانی*، «جامع السعادات» *مرحوم علامه محمد مهدی نراقی* و «معراج السعادة» *مرحوم ملا احمد نراقی*، و «حلیة المتقین» *علامه مجلسی* به صورت غیر مستقیم اما به تفصیل سبک زندگی اسلامی را بیان می‌کند؛ ولی تألیف و تدوین در حوزه سبک زندگی به صورت مستقل و با این عنوان خاص سابقه‌چندانی ندارد و در این اواخر با توجه به توصیه رهبر عزیز انقلاب اسلامی برخی از محققان در این حوزه فعالیت کرده‌اند؛ هرچند که موضوع بررسی

بازدارنده‌های و راهکارهای فرهنگی و اجتماعی در سبک زندگی اسلامی کاملاً جدید است و تألیفی با این عنوان وجود ندارد.

- شریفی، احمدحسین و همکاران (۱۳۹۱)، آداب و سبک زندگی اسلامی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها معاونت مطالعات راهبردی. این کتاب شامل ۱۰ فصل با موضوعات زیر می‌باشد: معاشناسی آداب و سبک زندگی - مباحث بنیادین - سبک زندگی اسلامی در اوقات فراغت - در شادی و نشاط - در روابط دختر و پسر - در مهارت‌های جنسی - در ارتباط با دیگران - در علم آموزی - در روابط خانوادگی - در کسب و کار. - فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، صبح صادق، چاپ اول. این کتاب در هفت فصل تدوین شده است، فصل اول درباره بینش‌های نظری درباره مصرف است. فصل دوم به مفهوم سبک زندگی اختصاص یافته است. فصل سوم به موضوع «منشأ سبک زندگی» می‌پردازد. فصل چهارم به بررسی «کارکرد و پیامد سبک زندگی» می‌پردازد. فصل پنجم به بررسی روش‌شناسی تحلیل زندگی اختصاص یافته است. در فصل ششم، برخی کاربردهای تحلیل سبک زندگی با ارجاع به مجموعه‌ای از پژوهش‌های انجام شده تشریح شده است. فصل هفتم نتیجه‌گیری است. آخرین بخش از این فصل نیز تصویری از یافته‌های کتاب و نواقص آن ترسیم می‌کند.

- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۹۱)، دین و سبک زندگی، ناشر: دانشگاه امام صادق. این کتاب که مشتمل بر دو بخش و شش فصل است که به موضوعاتی همچون بررسی نظریه دین و سبک زندگی (مفهوم شناسی سبک زندگی)، نظریه‌پردازی درباره سبک زندگی، رابطه دین و سبک زندگی، جلسات مذهبی، ریشه‌های تاریخی جلسات مذهبی، رابطه آموزه‌های دینی و سبک زندگی و غیره پرداخته است.

- سلگی، مریم (۱۳۹۸)، «جایگاه سعادت در سبک زندگی قرآنی»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۳۷، صص ۲۸۵-۳۰۹.

سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایداری است که از بینش‌ها و ارزش‌های آدمیان متأثر بوده و به صورت عینی در رفتار متجلی می‌شود. هرگاه انسان

غذایی را تناول می‌کند، پوششی را برمی‌گزیند یا اعتقادات خاصی دارد، این الگوهای رفتاری، سبک زندگی آدمی را تشکیل می‌دهد (فعالی، ۱۳۹۷: ۳۳)؛ «سبک زندگی شامل نظام ارتباطی، نظام معیشتی، تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، توجه به مد، جلوه‌های عینی شأن و منزلت، استفاده از محصولات تکنولوژی، نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند دین، خانواده، میهن، هنر، ورزش و امثال آن می‌شود. فهرست رفتارها، نوع چینش آن‌ها، نحوه تخصیص وقت، ضریب‌ها و تأکیدها از جمله متغیرهایی هستند که در شکل‌گیری سبک زندگی دخیل‌اند.

بر فرض مثال سبک زندگی ثروتمندان و اشراف، سبک زندگی نظامی‌ها و کشاورزها، سبک زندگی آمریکایی، چینی، ایرانی، سبک زندگی دینداران یا افراد مذهبی از لحاظ این متغیرها متفاوت است» (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۹). سبک زندگی یک اصطلاح نسبتاً جدید و تازه در حوزه علوم انسانی و ادبیات علوم اجتماعی می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم مرتبط با این اصطلاح در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، توسط برخی جامعه‌شناسان مورد توجه قرار گرفته است. مفاهیمی چون ارزش‌ها، رسم‌ها، تمایلات، انتخاب‌ها، فرصت‌ها و رفتارهای زندگی. اما پیشرفت روزافزون بشریت، به تغییر نگرش دانشمندان در تبیین اصطلاح سبک زندگی و ارتباط دادن آن به مقوله فرهنگ انجامید. به طوری که سبک زندگی، به عنوان بخشی از فرهنگ یک جامعه تلقی شد. به این معنا سبک زندگی یک فرد یا جامعه، از فرهنگ آن جامعه نشأت می‌گیرد (مهدوی کنی، ۱۳۹۱: ۵۲).

با توجه به آنچه گفته شد؛ می‌توان نتیجه گرفت که همه تعاریف سبک زندگی با وجود تفاوت‌هایی که در نوع بیان داشتند اما همه آن‌ها به طور مشترک درباره باورهای افراد درباره چگونه زیستن بر مبنای اعتقادات دینی و الگوهای رفتاری اتفاق نظر دارند. سبک زندگی اسلامی مؤلفه‌ها و مبانی از جمله اطاعت خداوند، ایمان به رستاخیز، نبوت پیامبران، ولایت ائمه، ساده زیستی، جاودانگی حیات انسان و... می‌باشد. بنابراین مبانی شیوه و روش زندگی را می‌توان از آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) که نمونه‌های الگوی رفتاری هستند، جست‌وجو کرد.

کمال نهایی سبک زندگی اسلامی

کمال نهایی سبک زندگی اسلامی ایمانی، «قرب الهی» است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳۴۳-۳۵۲)، قرب الهی از آنجا که خدای متعال کمال مطلق است. قرب به کمال مطلق به معنی کامل تر شدن است. به معنای سعه وجودی انسان است. یعنی انسان در سبک زندگی اسلامی با انجام کارهای خوب به مرتبه‌ای از کمال وجودی می‌رسد که وجود او وجودی خدایی می‌شود. امیر المؤمنین (ع) در دعای کمیل از خدای متعال چنین می‌خواهد: «وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيْبًا عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ» (فرازی از دعای کمیل)؛ «مرا از بندگانی قرار ده که بهره آنان نزد تو افزون تر و جایگاهشان به تو نزدیک تر و تقریبشان به تو بیش تر است».

همچنین در حدیث قدسی اینچنین آمده است: «يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا غَنِيٌّ لَا اُفْتَقِرُ اطْعِنِي فَيَمَا اَمْرَتِكَ اُجْعَلْكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا حَيٌّ لَا اَمُوتُ اطْعِنِي فَيَمَا اَمْرَتِكَ اُجْعَلْكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا اَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ اطْعِنِي فَيَمَا اَمْرَتِكَ اُجْعَلْكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰: ۳۷۶؛ نوری طبرسی، ۱۳۱۹ ج ۱۱: ۲۵۹؛ حدیث شماره ۱۲۹۲۸)؛ «ای فرزند آدم! من بی‌نیازی هستم که نیازمند نمی‌شوم؛ مرا در آنچه به تو امر کردم اطاعت کن، تا تو را بی‌نیازی کنم که نیازمند نشوی. ای فرزند آدم! من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم؛ مرا در آنچه به تو امر کردم اطاعت کن. تا تو را زنده‌ای سازم که نمیری. ای فرزند آدم! من به هرچه بگویم «باش» می‌شود؛ مرا در آنچه به تو امر کردم اطاعت کن، تا تو را چنین کنم که به هرچه بگویی «باش» بشود».

مولا علی (ع) در این باره فرمود: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا وَدَارٌ غَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا وَدَارٌ غَنِيٍّ لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَدَارٌ مَوْعِظَةٌ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَمُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَمَهْبِطٌ وَحَى اللَّهِ وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَرَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ»؛ «دنیا خانه راستی است برای کسی که آن را راستگو انگاشت، و خانه تندرستی است آن را که از آن توشه اندوخت، و خانه پند است برای آن که از آن پند آموخت. مسجد محبان خداست، و نمازگاه فرشتگان او، و فرود آمدنگاه وحی خدا و تجارت‌جای دوستان او. در آن آمرزش خدا را به دست آوردند و در آنجا بهشت را سود بردند» (دشتی، ۱۳۷۸، کلمات قصار، شماره ۱۳۱: ۳۸۴).

آموزه‌های اسلامی بینشی صحیح و درست از رابطه دنیا و آخرت به انسان می‌دهد. به همین دلیل، هرگز در کلمات اولیای دین سخنی از نادیده گرفتن دنیا و رها کردن نعمت‌های دنیوی دیده نمی‌شود. بلکه بر عکس، دنیا به عنوان وسیله‌ای خوب و ارزشمند برای بهره‌مندی از نعمت‌های اخروی معرفی شده است. البته در حال حاضر سبک زندگی جامعه بشری با سبک زندگی اسلامی آرمانی فاصله زیادی دارد که تحقق جامعه الهی آرمانی را با چالش مواجه ساخته است؛ نفوذ سبک زندگی غیراسلامی در جوامع بشری و تغییر روحیات و اخلاقیات مردم را می‌توان از گسترش الگوها و غیراسلامی دانست که بدون توجه به بنیان‌های فلسفی این الگوها، سبک زندگی و فرهنگ جوامع بشری را دچار آفت‌های فراوانی نموده است. آثار این تغییر سبک زندگی هم در بُعد فرهنگی و هم اجتماعی به صورت بازدارنده‌های مهمی در رسیدن به جامعه آرمانی الهی به چشم می‌خورد. از سوی دیگر وجود اعتقادات و باورها به عنوان تکیه‌گاهی مستحکم در جهت‌دهی و معناداری سبک زندگی اسلامی مؤثر است.

بررسی برخی از بازدارنده‌های سبک زندگی اسلامی

۱. غفلت زدگی

باید گفت غفلت برای زندگی اهل ایمان از خطرناک‌ترین و زیانبارترین بازدارنده‌های است. زندگی غافل، زندگی است که از وحی و الهام و دستورات انبیا، اولیا، امامان و حکمای الهی دور افتاده باشد. یکی از امور خطرناکی که ممکن است دامنگیر انسان‌ها شود، غفلت از یاد خداست که سرمنشأ خودفراموشی و بیگانگی از خویشتن می‌باشد و بستر دردها و بیماری‌های بشر که زمینه اصلی همه آن‌ها یاد شده است. حال انسانیت انسان از این نقطه شروع می‌شود که از غفلت خارج شده، قدم به مرحله آگاهی بگذارد و متوجه شود که سرنوشتی دارد و راه‌های مختلفی پیش پای اوست که لازم است از میان آن‌ها راه درست را شناخته و از آن پیروی نماید. بنابراین تا انسان از غفلت خارج نشود در واقع هنوز داخل در محدوده انسانیت نشده بلکه مسیر انحطاط و سقوط را در زندگی ظاهری دنیا را درک می‌کنند. با این وجود بی‌خبری از این واقعیت‌ها و نداشتن موضع‌گیری صحیح در برابر آن‌ها، خطر بزرگی برای سعادت انسان‌ها است، خطری که

هر لحظه ممکن است دامن انسان را بگیرد و او را به کام نیستی فرو برد، این خطر زحمات سالیان دراز عمر انسان را در یک لحظه بر باد می‌دهد. غفلت جایگاه مهمی در کتاب بزرگ آسمانی دارد و بر این مسأله تأکید زیادی شده است. لذا غفلت یکی از بسترهای انحرافی در سبک زندگی اسلامی است که انسان را از مصالحش (اعم از مادی و معنوی) بی‌خبر می‌سازد و با این بی‌خبری، فرصت‌ها را از دست می‌دهد، امکانات را ضایع کرده و استعدادهای خویش را بر باد خواهد داد.

عواملی که /امام علی(ع) به عنوان عامل غفلت بیان فرموده است از قبیل دنیازدگی و توجه به مظاهر مادی دنیا(دشتی، ۱۳۷۸، ج ۶، حکمت ۶۱؛ حکمت ۱۱۸؛ یونس/۷)، جهل و نادانی(اعراف/۱۷۹؛ انفطار/۶؛ دشتی، ۱۳۷۸، خطبه ۲۱۵)، آرزوهای دراز(دشتی، ۱۳۷۸، خطبه ۴۲) نام برده است که برای رهایی از این مانع، امام مداومت بر یاد خدا(دشتی، ۱۳۷۸، نامه ۵۳؛ خطبه ۸۵؛ خطبه ۲۱۳؛ غافر/ ۲۹) و یاد مرگ و یادآوری آخرت(دشتی، ۱۳۷۸، نامه ۶۹؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸: ۴۵۲)، تقوا و... بیان نموده است. همه این موارد از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شوند. از نگاه /امام علی(ع) غفلت باعث دوری از خدا، مرگ قلب و جان(تمیمی آمدی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۲۹۳؛ ج ۳: ۲۶۸)، نابودی و فساد اعمال(همان، ج ۲: ۲۱۳؛ دشتی، ۱۳۷۸، حکمت ۲۰۸)، هلاکت انسان(همان: حدیث ۸۳۱۸؛ خطبه ۶۴)، کم شدن روح معنوی جامعه(دشتی، ۱۳۷۸، خطبه ۲۱۵) می‌شود.

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا الْجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ

بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَلْوَاحٌ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَىٰ لَّهُمُ الْغَافِلُونَ﴾

«به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آن‌ها دل‌ها (عقل‌ها)یی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند و نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آن‌ها همچون چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند، زیرا با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند»(مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۲۱)

لذا بین غفلت و سبک زندگی اسلامی تقابلی شدید وجود دارد چراکه با وجود غفلت، بستر زمینه‌های سبک زندگی غیر اسلامی بیش از پیش فراهم می‌شود که شامل قساوت

قلب، مرگ قلب، فساد اعمال، دوری از خدا، هلاکت انسان، بی توجهی کامل به زندگی فردی و اجتماعی، بی توجهی به سعادت اخروی، هلاکت در دنیا و آخرت، توجه به مادیگرایی، تسلط شیطان، دوری از یاد خدا، وعده‌های دروغین، آرزوهای دراز، و... است را می‌توان نام برد.

۲. مادیگرایی در عرصه‌های گوناگون سبک زندگی

فرهنگ هر جامعه‌ای بر نوع پوشش و تفاوت آن جامعه از جوامع دیگر اثر می‌گذارد. در نوع نگاه غربی بر پوشششان، متوجه بدن‌نما بودن این نوع پوشش می‌شوید به گونه‌ای که این نوع پوشش فقط برای تعریف فرهنگ مادی ایجاد شده است و هدفی به غیر از تحریک جنسی ندارد. زن نوعی کالا محسوب می‌شود که باید نشانگر انواع مدها باشد تا با تبلیغ آن در قبال تن‌فروشی‌اش به اقتصاد کشورش کمک کرده باشد. شیء انگاری در این نوع تفکر زخم عمیقی بر هویت بشریت است. در سبک زندگی غیر اسلامی انسان شیء است و فرهنگ غربی مختار است هرگونه سوء استفاده‌ای از آن بکند چراکه همه در خدمت نگاه مادی باید باشند و نباید هویتی مستقل داشته باشند. پوشش غربی تحریک کننده در مقابل نامحرم و ترویج جامعه جنسی همراه با خشونت حداقلی حاصلی است که از این نوع تفکر به چشم می‌خورد. مشخصه سبک زندگی اسلامی در مورد پوشش، تأکید بر معنویت است انسان خلیفة الله فی الارض است. مؤمن با خلاقیت و الگوگیری از اصول اعتقادی، طبق نیاز روز یک الگوی زیبا در عین حال اسلامی طراحی می‌کند که هم هویت اسلامی داشته باشد و هم منطبق بر مد زمان خود باشد.

امام علی(ع) در خطبه ۲۷ نهج البلاغه تنها راه خوار نشدن در برابر دشمن را در جنگیدن ملت در خانه خود بر علیه دشمن می‌داند. حال با توجه به سلیقه و هنر زیبای اسلامی می‌توان سعی در طراحی پوشش اسلامی متنوع طبق سنین و جنسیت داشت تا جوانان بتوانند با پوششی صحیح در جامعه ظاهر شوند. در قرآن کریم هدف پوشش، ستر عورت و تقواست (نور/ ۲۶). از سوی دیگر می‌توان از پوشش اسلامی در ایجاد منزلت فردی و شناسایی ارزش‌های حاکم به عنوان عاملی مؤثر یاد کرد. لذا گرایش به

پوشش‌های غربی و تقلید از فرهنگ‌های غیر اسلامی در واقع یکی از بازدارنده‌های فرهنگی جاری شدن سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود.

۳. جهل

جهل مانع بزرگی برای سبک زندگی اسلامی است، محدوده جهل وسیع است و هر نوع نادانی را در بر می‌گیرد. جهل تنها بی‌سوادی نیست بلکه بعضی وقت‌ها جهل در ادامه انتخاب لذت آنی و چشم‌پوشی از رضای خداوند که باعث غلبه هوس‌ها و نوعی بی‌توجهی است به وجود می‌آید که جهل محض است (یوسف/۸۹). جهل از نظر لغوی به معنای نادانی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۱۲۹)، سفاهت و بی‌اعتنایی (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۸۷) معنا شده است (قاموس قرآن، ج ۲: ۸۰). در قرآن کریم ۲۴ بار واژه جهل به کار رفته است؛ جهل در دو حیطة؛ جهل در برابر علم و جهل در برابر عقل به کار می‌رود. خداوند در قرآن، انسان را بسیار جاهل می‌خواند: ﴿إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب/۷۲) یعنی انسان زمینه ظلم و جهل را دارد. در حالی که باید دین به افراد عادل و عالم داده شود. به این معنا اگر امانت‌دار دین باشد، عادل و گرنه جاهل است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۴۰۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۱۶: ۳۴۹-۳۵۱). انسان به خاطر آگاهی نداشتن از منزلت مقام عظیمش، به خودش ظلم می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۷: ۴۵۶) (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۱۸: ۳۱۱-۳۱۲)؛ پرسیدن از آگاهان: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/۴۳)؛ اهل بیت (ع) مصداق آگاهان‌اند (طیب، ۱۳۸۶، ج ۸: ۱۲۸)؛ بینش و بصیرت داشتن؛ ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَتَعَقُّ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّوا بِكُمْ عَمِيَّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۱۷۱). در این آیات راه درمان جهل را در بینش و بصیرت داشتن می‌دانند (مصطفوی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۲۵).

امام علی (ع) جهل را خطرناک دانسته و دشمن واقعی انسان‌ها را نادانی‌شان دانسته است. «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا» چون آگاهی از چیزی ندارند، آن را تکذیب می‌کنند. یا در حدیث دیگری فرموده است: «لَا تَعَادُوا مَا تَجْهَلُونَ فَإِنَّ أَكْثَرَ الْعِلْمِ فِيمَا لَا تَعْرِفُونَ»، به آنچه نمی‌دانید دشمنی نکنید، چون بیش‌تر دانش‌ها در اموری است که شما نمی‌دانید» (دشتی، ۱۳۷۸، حکمت ۱۷۲). حال برای برون رفت از این موانع و معضل در سبک

زندگی اسلامی باید گفت، آموزش و تربیت افراد باید جدی گرفته شود دانش افزایی و ارتقای علمی و فرهنگی به عنوان یک اصل تلقی شود، تا بتوان زمینه تحقق سبک زندگی اسلامی را فراهم نمود. سبک زندگی اسلامی بدون تعلیم و تربیت افراد ممکن نیست. /امام علی(ع) نیز پشتوانه اصلی مسئولیت را در دانایی و آگاهی داشتن می‌داند(دشتی، ۱۳۷۸، حکمت ۲۷۶). برترین سرمایه هم از منظر امام(ع)، دانش است و سبک زندگی غیر اسلامی را آسیب پذیر می‌داند چون بر پایه جهل بنا شده است(تمیمی آمدی، ۱۴۰۴: ۴۱).

۴. روزمرگی

روزمرگی یکی از بازدارنده‌های فرهنگی در سبک زندگی است که آینده نگری افراد را مورد حمله قرار داده است. این انحراف باعث مرگ خلاقیت می‌شود چون تکرار کارهای روزانه نمی‌تواند دلیلی برای حذف ایده‌های نو و خلاقانه دانست و فرد را دچار افسردگی و تنهایی کرد. در سبک زندگی غیر اسلامی، افراد برای رهایی از افسردگی، دست به خشونت می‌زنند. آثار دیگر این معضل در سبک زندگی؛ کثرت پدیده شوم طلاق، تنوع طلبی، بی معنایی در زندگی، ناامیدی و کسالت، بی برنامه‌گی، بحران هویت، نداشتن ارزش‌های راسخ در زندگی، متغیر بودن در انتخاب جهان بینی، سرگردانی در انتخاب ایدئولوژی، و... را می‌توان نام برد.

دین اسلام برای پیشگیری از روزمرگی پیشنهادات عدیده‌ای را بیان نموده است از قبیل؛ توبه و بازگشت به خویشتن، برنامه ریزی و تقسیم کار، آینده نگر و تلاشگر بودن، ارتباط با دیگران، پرهیز از کسالت(نساء/ ۱۴۲؛ نازعات/ ۲؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۰؛ ج ۵: ۸۵)، صابر و شکیبا بودن، شادابی و نشاط، جبران کامل اعمال خود، امید به رحمت خدا، غنیمت شمردن وقت، رضایت‌مندی از زندگی، و استفاده بهینه از زندگی. /امام صادق(ع) نیز خواب زیاد و بیکاری را عامل نفرت خداوند می‌داند(حر عاملی، ۱۳۴۷، ج ۱۷: ۵۷) امام علی(ع) می‌فرماید: «در کارهایت به انسان کسل و بی حال اعتماد مکن»(تمیمی آمدی، ۱۴۰۴: ۲۳۳). در آیات قرآن بهترین نوع زندگی انتخابی انسان را مصداق حیات طیبه می‌خواند و مثال‌هایی همچون اصحاب کهف، و... به عنوان الگو معرفی می‌کند.

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف / ۱۱۰). با شناخت حیات طیبه قرآنی، آرامش به زندگی انسان‌ها برمی‌گردد. حیات طیبه به معنای منزوی شدن بشر از صحنه جهانی نیست، بلکه به صحنه آوردن انسان‌هایی با ابزار ایمان و عمل و قدرت است. می‌توان نتیجه گرفت در سبک زندگی اسلامی زندگی انسان‌ها به عنوان «حیات طیبه» یاد شده است. از آنجا که حیات حقیقی از آن خداوند متعال بوده و حیات و کمال بشر در راستای خداوند است و جهان خلقت مظهری از رحمت خداوند است در این سیر هر موجودی به کمال خویش می‌رسد که همان مقام قرب و مقام خلیفه الهی است. آن حیات بر اصل ایمان و عمل صالح است. زندگی دنیا پلی برای رسیدن به حیات طیبه است. مطابق آیات و روایات متعدد، حیات طیبه در همین دنیا محقق می‌شود. حال که شروع حیات طیبه در دنیاست، پس سبک زندگی قرآنی در دنیا شکل می‌گیرد و دارای پاداش اخروی است.

راهکارهای رفع موانع سبک زندگی اسلامی

همانطور که بیان شد تحقق سبک زندگی اسلامی در جهت سعادت انسان و حتی فلسفه آفرینش انسان انجام فرایض الهی در گروه عمل به دستورات خداوند متعال بر اساس سبک زندگی اسلامی است. بنا بر آنچه گفته شد تحقق این مهم نیازمند بستر مناسب می‌باشد. از جمله قداست خانواده، ساده زیستی، بصیرت‌افزایی، اصلاح الگوی مصرف و...؛ اما به خاطر عدم اطاله بحث، به عنوان نمونه، به یکی دو مورد اشاره می‌کنیم.

۱. حجاب و الگوی مناسب اسلامی

در سبک زندگی اسلامی در برابر مدگرایی و برهنگی، حجاب و پوشش اسلامی به عنوان راهکار ایراد شده است. حجاب یکی از اصول و ضروریات ادیان ابراهیمی است. حجاب در لغت به معنای مانع است اما از نظر اصطلاح به پوششی گفته می‌شود که مانع از دیدن چیزی شود. هر پوشش حجاب نیست و آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۸۶-۳۹۱). مفهوم حجاب به این معنا در آیات الهی آمده است (شوری/۵۱). /امام علی(ع) می‌فرماید: «فَلَا تَطُوكُنَّ

احتِجَابُكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ»: «یعنی در میان مردم باش، کم‌تر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن» (دشتی، ۱۳۷۸، نامه ۵۳). حجاب به معنای جلوه‌گری نکردن در آیات سوره احزاب و سوره نور آمده است. به این بیان که پوششی است که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. بدیهی است هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند متعال است که به واسطه تزکیه نفس و تقوا به دست می‌آید. ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات/۱۳): «بافتخارترین شما نزد خدا باتقواترین شماست». در دین اسلام حجاب بر حضور اجتماعی زن تأکید دارد. حفظ عفت برای زنان در فعالیت اجتماعی زن و حضور وی در صحنه‌های مختلف مهم است. در منظر اسلامی، زن از جایگاه بلند و منزلتی عظیم برخوردار بوده است. از سوی فرهنگ غربی یکی از مؤلفه‌های که مورد حمله قرار گرفته است حجاب است. در سبک زندگی غیر اسلامی، فرهنگ برهنگی در همه جا رخنه کرده است. یکی از شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی، ترویج فرهنگ حجاب است، چون از معضلات اجتماعی همچون طلاق، خیانت همسران، عدم ازدواج جوانان، از بین رفتن آرامش روانی، ترویج روابط نامشروع، فروپاشی خانواده‌ها، ابتدال زن و سقوط شخصیتش، گسترش فساد، و... می‌تواند جلوگیری کند و باعث تقویت بنیه خانواده، ترویج ارزش‌های اخلاقی، حراست از کیان خانواده، و... می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۴۶-۴۴۵). در مجموع می‌توان گفت در سبک زندگی اسلامی طبق آیات و روایات مأخوذ از منابع اسلامی، هدف و فلسفه وجوب حجاب اسلامی، ایجاد تزکیه نفس، طهارت و عفت و پاکدامنی در بین افراد جامعه، و ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد است. هر جامعه اسلامی برای رشد و تعالی افراد، تزکیه خانواده و جوامع باید از اهرم حجاب استفاده کند تا حدود محرم و نامحرم رعایت شود و خانواده قداست خویش را پیدا کند. از این رو اسلام هم برای زنان و هم برای مردان این اهرم را برای حفظ سلامتی فردی و اجتماعی جوامع به کار گرفته است.

۲. بیداری اسلامی

در سبک اسلامی در برابر جهل و غفلت ورزی، از آگاهی و بیداری اسلامی سخن می‌گوید. شخص مسلمان حق گو و حق طلب است بصیرتی بالا دارد وارد انحرافات و

فتنه‌ها نمی‌شود. از ارزش‌های اسلامی برای دفاع از دین خود حفاظت می‌کند. فرد مسلمان در حقانیت و بیداری مسلمانان کل جهان تلاش می‌کند به گونه‌ای که اگر در این تلاش، جان خویش را از دست بدهد به بهترین و بالاترین مقام در زندگی دست یافته است. همانطور در قرآن کریم آورده شده است:

﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران /

۱۶۹)

«گمان نکنید که کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مردگان‌اند نه! بلکه زندگان‌اند و در نزد خدای خود روزی دارند»

مسلمان بیدار همچنان که با نفس خویش در مبارزه است به همان گونه با دشمن بیرونی هم سر جهاد دارد که شامل تمام افراد یا جوامعی که با بشریت سر ستیز دارند و هدفشان انحراف انسان‌هاست و در هر لباسی باشند و در هر نقطه‌ای از جهان باشند:

﴿وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِمَّنْ آمَنُوا كَثِيرُهُمْ

الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران / ۱۱۰)

از سوی دیگر به هر مسلمانی در هر جایی که کمک بخواهد یاری می‌رساند و صدای اسلام را به آن‌ها می‌رساند.

در جوامع غیر الهی همیشه تناقض در ارزش‌ها و هنجارهای‌شان به چشم می‌خورد اما در جوامع الهی که مسلمانانی بیدار هستند حافظ ارزش‌های الهی از جمله اعتقادی و اخلاقی است. برای بیداری اسلامی وجود رهبر اسلامی اولین ضرورت جامعه است. با وجود امام، افراد می‌توانند مشعل هدایت را در دست داشته باشند. با این بیان امام تنها چراغ راه بیداری اسلامی است که با رجوع به قرآن و امام شناسی در دوره غیبت می‌تواند بصیرت ایجاد کند چون با شناخت امام می‌توان حتی هدف خلقت را شناخت. پس بیداری اسلامی با رجوع به منابع اسلامی و تبعیت از آن‌ها امکانپذیر خواهد شد. «هر که نیزه خشم خود را به خاطر خدا تیز کند بر نابود کردن سخت‌ترین باطل‌ها توانا گردد» (دشتی، ۱۳۷۸، حکمت ۱۷۴). اسلام با برپایی حکومت عدل الهی در بین جوامع می‌کوشد ابتدا پیام اسلام را به جهانیان برساند و در وهله بعد تفرقه بین مسلمین را برکند و ریشه ظلم را بخشکاند (دشتی، ۱۳۷۸، خطبه ۱۷۶) و تمدن اسلامی و امت

اسلامی را پایه ریزی کند. مسلمانان با عبودیت خالصانه، به فکر پیشرفت و تعالی جوامع اسلامی هستند. این بیداری اسلامی تنها با پیشرفت به همراه تقوی، ایمان و حقانیت دانستن دین اسلام در جوامع استقلال یافته به وجود می‌آید:

﴿وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ هُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ﴾ (مائده/۴۸)

﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (مائده/۶۰)

یکی از عواملی که باعث می‌شود بیداری اسلامی ایجاد شود اتحاد و همبستگی بین مسلمین است که در برابر ابرقدرت‌ها استقامت داشته باشند:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران/۱۰۳)

امام علی(ع) می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَبِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ». «همانا شیطان راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، پراکندگی را به شما بدهد و در پراکندگی شما را دچار فتنه گرداند» (دستی، ۱۳۷۸، خطبه ۱۲۱). درک درست از زمانه خود و اهداف الهی در مقابل شناخت دشمنان و اهدافشان، نوعی بیداری و بصیرت اسلامی را برای مسلمین به همراه دارد. این شناخت باعث می‌شود حرکاتی انقلابی و بجا در برابر طاغوتیان زمانه انجام شود و جوامع از عوامل انحراف دور شود:

﴿لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (نحل/۳۶)

بیداری اسلامی یکی از مؤلفه‌ها و راهکارها در سبک زندگی اسلامی است. این راهکار در جهت اعتلای دین و بقای آن در زندگی فردی و اجتماعی است. این مسأله باید با رهبری اسلامی همراه باشد تا بیداری اسلامی نقش واقعی در زندگی مسلمانان داشته باشد. بدیهی است باید آن بیداری به کل جهان صادر شود و با اتحاد جهانی و بیداری اسلامی مسلمین نقش مؤثری در جهانی شدن اسلام و ایجاد تمدن اسلامی داشته باشند.

۳. انس با قرآن

انس با قرآن به معنای همدم بودن، خو گرفتن، داشتن ارتباطی مستحکم، مؤثر و هدفمند است. هدف انس با قرآن در هدف نزول قرآن نهادینه شده است. پس بر اساس

این تعریف انس با قرآن یعنی آموختن قرآن، حفظ قرآن، فهم قرآن و عمل به قرآن است در صورتی که باعث تغییر رفتار شود که آن رفتار قرآنی، آرامش معنوی را با خود به ارمغان آورد و پاسخگوی دغدغه‌ها و رفع بازدارنده‌های جامعه با سبک زندگی غیر اسلامی باشد. برای ارائه راهکار باید ابتدا بازدارنده‌ها را از نگاه تعالیم قرآنی شناخت و محتوا و صورت مناسب با دین که باعث جذب افراد بی دین شود نه آنکه افراد متدین خود را نیز طرد کند.

انس با قرآن در جامعه به سبک زندگی اسلامی تنها قرائت نیست بلکه کاربردهای عدیده‌ای دارد. به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبری‌های حکیمانه رهبر انقلاب اسلامی، فهم اصول سبک زندگی اسلامی بالأخص انس با قرآن به صورت کاربردی ارائه شد که موجب قدرت و پویایی جامعه اسلامی شد. در این نگاه، دین تنها برای محدود کردن انسان‌ها نیامده است. امام علی (ع) با تشبیهات زیبایی قرآن را به اقیانوسی ژرف تمثیل می‌کند که کسی به عمقش نمی‌رسد هدایتگر مسافران است (دشتی، ۱۳۷۸، خطبه ۱۸۹).

در ارائه راهکار انس با قرآن باید گفت؛ خداوند در دین شما هیچ سختی قرار نداده است (ما جعل علیکم فی الدین من حرج) (حج / ۷۸). توجه به زیبایی‌های دین: «خود را بیارای و زیبا کن که خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد، اما باید که از حلال باشد» (حر عاملی، ۱۳۴۷، ج ۳: ۳۴۰). «با آراستگی لباسش و خوشبو کردن بدنش و تمیز کردن خانه‌اش» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶: ۱۴۱). در این انحراف فرهنگی، کارکرد هنر انکارناپذیر است و ترویج قرآن در قالب‌های هنری همچون داستان و... مهر صحت این مطلب است. انتقال حس مذهبی با بکارگیری عملی اصول اسلامی در خانواده، تأثیر درست و کارشناسی اعمال والدین، معلمان و مبلغان در زمان سن الگوگیری فرزندان، انتخاب دوست خوب برای فرزندان:

﴿وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا. يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمَّا أَخَذْتُ
فُلَانًا خَلِيلًا﴾ (فرقان/ ۲۸-۲۷)

برپایی جلسات پرسش و پاسخ مسائل دینی، معرفی شخصیت‌های اسلامی و قرآنی، بیان معارف قرآن اعم از اخلاق، احکام و عقاید در قالب‌های مختلف و جذاب با زبان

خاص مخاطبان، آموزش روخوانی، تجوید، حفظ و اطلاعات قرآنی و...؛ با این روش می‌توان محتوای کلام الهی را با شیوه صحیح به مخاطبین ارائه داد تا طبق روح حاکم بر تعلیمات قرآن کریم در انسان سازی الهی مؤثر باشیم. بدیهی است تنها با انس با قرآن می‌توان به این اهداف رسید که حاصل این انس و همراهی با آیات الهی، در انسان سازی الهی پیاده می‌شود.

حال رسانه‌ها نیز در این سیر می‌توانند نقش بسزایی داشته باشند. زیرا اسطوره سازی از طریق آن‌ها امکانپذیر است و اسطوره‌ها و الگوهایی که اکنون در جامعه رشد کرده‌اند، عمدتاً هنرمندان هستند (موسیقیدانان، آهنگسازان، خوانندگان، کارگردانان و بازیگران سینما و تلویزیون) و هنرمندان متعهد می‌توانند با استفاده از شیوه‌های مختلف هنری، شخصیت‌های مثبت و ذخیره‌های معنوی جامعه را به عنوان اسطوره و الگو به جوانان معرفی کنند. این روند می‌تواند در ایجاد انس مخاطبان با فرهنگ قرآنی مؤثر باشد.

نتیجه بحث

سبک زندگی اسلامی و مؤلفه‌های آن که برگرفته از آیات و روایات است می‌تواند گره‌گشایی برای معضلات فرهنگی و اجتماعی جوامع باشد که با بکارگیری آن‌ها می‌توان با استفاده از هدفمند کردن شیوه زیستن انسان در دنیا و آخرت طبق فرهنگ قرآن زمینه قرب الهی انسان را فراهم نمود و با بکارگیری عملی این رهنمودها که برگرفته از سبک زندگی اسلامی است، زمینه تعالی و استمرار فرد و جوامع بشری را فراهم نمود. بنابراین در سبک‌های زندگی به همه جزئیات پرداخته می‌شود و می‌بایست در چارچوب شیوه زندگی اسلامی، الگوهایی برای همه امور ارائه شود. توجه به ظواهر و جزئیات در اموری چون معماری، تزیینات، پوشش، نوع غذا، میزان مصرف، سرگرمی‌ها، جشن‌ها، رفت و آمدها، سخن گفتن‌ها، ارتباطات حضوری و غیر حضوری و حتی بهره‌گیری از فن‌آوری‌هایی چون تلفن، تلفن همراه صوتی و تصویری، ماهواره، تلویزیون، اینترنت و مانند آن معرفی کرد؛ همچنین هر جامعه‌ای از جوامع اسلامی می‌بایست در شناسایی سبک زندگی خود مبتنی بر اقتضات زمان و مکان عمل کند تا بتواند هم خود را از تهاجم فرهنگی و رفتاری شیوه‌ها و سبک‌های زندگی غیر اسلامی حفظ کند و هم بتواند

از مواهب فن آوری های جدید علوم در زندگی اجتماعی سود برد. شیوه زندگی اسلامی به طور کامل در آیات قرآنی بیان شده است و بر ماست که با مراجعه به کلام الهی تا جایی که ممکن است از آن بیاموزیم و با تمسک به آیات قرآن، در پی دستیابی به راهکارهایی برای همه عرصه‌های فکری و عملی زندگی خود باشیم.

سبک زندگی اسلامی سرمنشأ برکات و نعمات بسیاری است که کاملاً آثار و نقش سازنده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. به راستی در جوامعی که بر اساس سبک زندگی اسلامی عمل می‌کنند افراد آن، در چارچوب اعتقادات دینی و الهی حرکت کرده و فضای سالم و مناسب که به دور از رذایل اخلاقی و عدم تبعیت از سبک زندگی غیر اسلامی است، برای خویش مهیا می‌کنند، و در پرتو این گوهر گرانبها در یک حالت روحی روانی خاص قرار می‌گیرند که در برابر ناملایمات و سختی‌های زندگی مقاوم بوده، و به تبع، آثار مثبتش در زندگی آنان نمایان است چراکه تمام دستورالعمل‌های سبک زندگی اسلامی مطابق نیازها و هماهنگ فطرت است. بنابراین تحقق سبک زندگی اسلامی نیازمند تلاش در زمینه شناسایی موانع و توجه به راهکارهای رفع موانع می‌باشد. برخی از موانع که به آن‌ها پرداخته شده از جمله غفلت زدایی، قساوت قلب، مرگ قلب، فساد اعمال، دوری از خدا، هلاکت انسان، بی توجهی کامل به زندگی فردی و اجتماعی، بی توجهی به سعادت اخروی، هلاکت در دنیا و آخرت، توجه به مادی‌گرایی، تسلط شیطان، دوری از یاد خدا، وعده‌های دروغین، آرزوهای دراز، و... است را می‌توان نام برد. مهجوریت قرآن، جهل، و... به بسترسازی سبک زندگی غیر اسلامی کمک می‌کند.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغة. ترجمه سیدجعفر شهیدی.

- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- بستانی، فواد افرام. ۱۳۷۵ش، **المنجد الابدی**، ترجمه رضا مهیار، تهران: اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۴۰۴ق، **غرر الحکم ودرر الکلم**، قم: جامعه مدرسین قم.
- حر عاملی، محمد بن الحسن. ۱۳۴۷ش، **وسایل الشیعة**، قم: آل البيت لإحياء التراث.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۷۸ش، **تربیت در نهج البلاغه**، تهران: اندیشه جوان.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن. ۱۳۷۱ش، **ارشاد القلوب**، تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۵ش، **تفسیر المیزان**، محمد باقر موسوی، قم: انتشارات دار العلم.
- طیب، عبدالحسین. ۱۳۸۶ش، **أطيب البیان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه جهانی سبطين.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **تفسیر أحسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۸۸ش، **الکافی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۱، بیروت: الوفاء.
- مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۴ش، **نقد و بررسی مکاتب اخلاقی**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۸۸ش، **تفسیر روشن**، تهران: مرکز مطالعات حوزه علمیه.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۷ش، **مسأله حجاب**، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۸ش، **پیام قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۰ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی. ۱۳۱۹ش، **مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل بیت(ع) لاحیاء التراث.

مقالات

- سلگی، مریم. بهار ۱۳۹۸ش، «جایگاه سعادت در سبک زندگی قرآنی»، فصلنامه مطالعات قرآنی.
- فعالی، محمدتقی. ۱۳۹۷ش، «سبک زندگی و سیره؛ تمایزات و اشتراک‌ها»، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان.

Bibliography

The Holy Quran.

Nahj Al-Balagheh. Translated by Seyed Jafar Shahidi.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram ibn Ali. 1414 AH, Arabic language, Beirut: Dar Sader.

Bostani, Fouad Afram. 1996, Al-Munajjid Al-Abjadi, translated by Reza Mahyar, Tehran: Islamic. Tamimi Amadi, Abdul Wahed bin Muhammad. 1404 AH, Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam, Qom: Qom Teachers Association.

Hor Amoli, Muhammad bin Al-Hassan 1968, Vasael Al-Shia, Qom: Al-Bayt Leahya Al-Taras.

Delshad Tehrani, Mostafa. 1999, Education in Nahjul Balagha, Tehran: Young Thought.

Dilami, Hassan Ibn Abi Al-Hassan 1992, Irshad al-Qulub, Tehran: Dar al-Oswa for printing and publishing.

Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1996, Tafsir Al-Mizan, Mohammad Baqir Mousavi, Qom: Dar Al-Alam Publications.

Tayeb, Abdul Hussein 2007, Atib al-Bayyan fi Tafsir al-Quran, Qom: Sabtin World Institute.

Ghorashi, Ali Akbar. 1992, Quran Dictionary, Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiya.

Ghorashi, Ali Akbar. 1998, Tafsir Ahsan Al-Hadith, Tehran: Ba'ath Foundation.

Kelini, Muhammad ibn Ya'qub 2009, Al-Kafi, third edition, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya Publications.

Majlisi, Mohammad Baqir 1403 AH, Bahar Al-Anvar, vol. 101, Beirut: Al-Wafa.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi 2005, Critique and review of ethical schools, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mustafavi, Hassan 2009, Tafsir Roshan, Tehran: Seminary Studies Center.

Motahari, Morteza 1988, Hijab issue, Tehran: Sadra Publications.

Makarem Shirazi, Nasser. 1999, The Message of the Quran, Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiya.

Makarem Shirazi, Nasser. 2001, Sample Interpretation, Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiya.

Nouri Tabarsi, Hussein bin Muhammad Taqi. 1940, Mustadrak al-Wasa'il and Mustanbat al-Masa'il, Qom: Al-Bayt (AS) Leahya Al-Taras Foundation.

Articles

Solgi, Maryam, Spring 2017, "The position of happiness in the Quranic lifestyle", Quarterly Journal of Quranic Studies.

Faali, Mohammad Taqi 2018, "Lifestyle and manners; Distinctions and commonalities», Volume 4, Number 1, Spring and Summer.

An analysis of Islamic lifestyle inhibitors in the Holy Quran

Date of Received: October 13, 2019

Date of Acceptance: January 14, 2018

Soraya Barzgarnejad

PhD student, Department of Quran and Hadith, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. s.barzgar88@gmail.com

Seyed Hamid Hosseini

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. hoseinihamid@gmail.com

Corresponding author: Seyed Hamid Hosseini

Abstract

Undoubtedly, one of the influential issues in the destiny of each person is choosing his lifestyle. In today's world, we are faced with different lifestyles that show their differences in the type of thought, belief, religion, and so on. Each type of lifestyle includes all aspects of a person's life that the choice of any type of lifestyle has a direct impact on the excellence and happiness of the person. But man has always deviated due to not knowing the right lifestyle, the prevalence of wrong lifestyles in society, moving away from the sublime goal. Now, among the various lifestyles and divine religions that we face in today's world, it can be said that according to the harmony and compatibility of the three important parts of beliefs, ethics (individual and social sphere) and rules in Islam, about the Islamic lifestyle, It is necessary that the education of the Muslim generation to be in accordance with the lifestyle presented in the Qur'an and hadiths in order to be considered for becoming Muslim and to become a perfect human being.

Keywords: lifestyle, culture, Islam, model, neglect.